

## پژوهشی در شناخت زرتشت (بخش سوم)

بخش سوم: گاتها چیستند و چرا آنها را سرودها می نامند  
باشد که شهریاران نیک، با کردار نیک و دانش و پارسایی، بر ما فرمان برانند، نه شهریاران بد... برای آبادی جهان باید کوشید، جهان را باید بدرستی پرورانید، و آن را بسوی روشنایی برد. بند پنجم از سرود چهل و هشتم یسنا گاتها کهن ترین، و والاترین بخش اوستا هستند که در میان یسنا جاداده شده اند. واژه گات یا **Gatha** از سوی بیشترین زرتشت شناسان جهان با «سرود» برابر دانسته شده، بنا بر این «سرودهای» ورجاوند اشو زرتشت را «گات ها» می نامند.

زبان گاتهایی یکی از زبانهای کهن هند و اروپایی و از خویشاوندان نزدیک زبان سانسکریت است، اینکه چرا آنرا زبان گاتهایی می نامند پاسخ این است که بجز گاتهای زرتشت بنمایه ی دیگری از این زبان بدست ما نرسیده است. این واژه در زبان پهلوی به پیکرگاس **Gath** یا گاه در آمده که رَمَن (= جمع) آن می شود «گاسان» یا گاهان ولی امروزه بیشتر به همان پیکر «گاتها» شناخته شده و بکار می رود.

در زبان سانسکریت و در نامه های بسیار کهن دینهای برهمنی و بودایی نیز هرجا سخن سروده ای در میان سخنان ناسروده جا گرفته باشد آنرا «گاسا» می گویند. سرودهای زرتشت نیز چنین بوده و از همین رو «گاتها» نامیده شده اند. اینگونه نگارش در میان مردم جهان باستان، بویژه در میان تبارهای هند و اروپایی کاربرد بسیار داشته است، برای اینکه از دامنه ی سخن بکاهند آن را کوتاه می کردند و بگونه ای در می آوردند که در یاد و ویر مردم جا بگیرد و بماند.

از کهن ترین روزگاران تا به امروز، ایرانیان گاتها را سروده های فرخنده ی زرتشت دانسته و ارجی والا گذاشته اند. در اوستای روزگار ساسانی گاتها در سر نخستین نسک گاسانیک که ستوت یشت **Stot yasht** نامیده می شد جای داشتند. در یسنا ی ۵۷ آمده است: «ما می ستاییم فرخنده سرودش را، کسی که نخستین بار پنج گاتهای زرتشت سپنتمان مقدس را بسرود.»

گاتها رویهم رفته هفده «هانیتی» یا بخش است که رویهم رفته ۲۳۸ بند و ۶۰۰۰ واژه را در بر می گیرند. اینها کهن ترین سرودهایی هستند که از روزگاران دور برای ما بیادگار مانده اند.

گاتها از دیدگاه زبانشناسی و شیوه ی جهان بینی و هستی شناسی با دیگر بخشهای اوستا ناهمسانی بسیار دارند، برخی از واژه هایی که در گاتها آمده اند در دیگر بخشهای اوستا دیده نمی شوند، همانند آنها را تنها در ریگ وداها و کهن ترین نامه های دینی برهمنان می توان پیدا کرد.  
گاتها در روزگاری کهن بخشی از نامه ی بسیار بزرگی بوده اند که هر میپوس تاریخ نگار یونانی از آن یاد کرده است، این نامه (= کتاب) در یورش اسکندر گجستک از میان رفته و بدست ما نرسیده است.

گاتها دارای پنج بخش است، به روشنی دانسته نیست که اشو زرتشت خود این بخش بندی را بجا آورده و یا سپس تر پیروان او برای اینکه کار خوانش و بیاد سپردن آنها را آسان تر کنند بنا بر وزن هر سرود و شماره ی پاره های آن این بخش بندی را کرده اند. هر یک از این پنج بخش بنام نخستین واژه ی بند نخست آن سرود بترتیب زیر نامگذاری گردیده است:

۱ - آهَنود گات **Ahnavad Gath** این گات که سرود نیایش یزدان است رویهم رفته دارای هفت سرود و یک سد بند است: از یسن ۲۷ تا یسن ۳۴.

۲ - اَشَتَوَدگات **Gath Ashtavad** یا اَشَتَوِنیتی گاسا که سرود خود شناسی است از چهار سرود و ۶۶ بند فراهم گردیده، از یسن ۴۳ تا ۴۶.

۳ - سَپَنَتَمَد گات **Sepantmad Gath** یا سپنتمانینو گاسا خرد افزاینده - چهار سرود و ۴۱ بند دارد از یسن ۴۷ تا ۵۰.

۴ - وَهَوَشَتَر گات که سرود شهریاری نیک است تنها یک سرود و بیست و دو بند دارد. یسن ۵۱

۵ - وَهَشَتَوایش گات **Vahishto Gath** یا وَهیشَتَو ایشتی گاسا یا بهترین آرزو. یک سرود و ۹ بند دارد. یسن ۵۳ در سرآغاز آهَنود گات یک بند افزوده هست که بسیاری از گاتها شناسان آن را از خود زرتشت نمی دانند.

هر یک از این سرودهای پنجگانه دارای یک یا چند «هانیتی **haiti**» یا بزبان پهلوی هات است که در پارسی امروز (فصل) ویا بخش یا بند می گوئیم. یسن ۳۵ تا یسن ۴۱ را که «هپت هاتی **hapta haiti**» یا هفت هات می گویند.

زبانی که گاتها به آن به نگارش در آمده بود چندین سده پس از زرتشت اندک اندک جای خود را به گویشهای دیگر سپرد و در فراموشخانه ی تاریخ جا گرفت ولی سرودهای زرتشت در یادها ماندند و سینه به سینه از زادماتی به زادمات دیگر رسیدند و سرانجام اوستای نوین آنها را در دل خود جا داده و به ما رسانید.

نزدیک به دویست سال پیش، اوستای دوره ی ساسانی نگاه برخی از دانش پژوهان اروپایی را بسوی خود کشانید و

کار بررسیهای ژرف در اوستا آغاز گردید. یکی از نخستین راهیان اوستا شناسی در جهان امروز آنکتیل دو پرون

**Anquill Duperron** فرانسوی بود. او در سال ۱۷۵۴ زمانی که بیست ساله و دانشجوی زبانهای خاوری بود به برگرهایی از رونوشت وندیداد دست یافت و چنان برانگیخته شد که سرانجام بنام یک سرباز به خدمت کمپانی هند شرقی درآمد

و راهی هندوستان گردید. در آنجا در خدمت موبد داراب کرمانی و موبد جاماسب، زبان اوستایی آموخت و با نوشتارهای ارزشمند خود راه را بر دیگر پژوهندگان اروپایی هموار نمود.

از دیگر کوشندگانی که در زمینه اوستا شناسی نامهای سزوار ستایش از خود برجای گذاشته اند باید از: ویلیام جونز - امانوئل راسک - اوگن بورنوف - شپیگل - جیمز دارمستتر - مارتین هوگ - وست - تارا پووالا - دوشن گیمن و بس بسیاری دیگر نام برد. استاد دکتر آبتین ساسانفر استاد پیشین دانشگاه ملی، گزارش بسیار رسایی در پیشگفتار «گاتاها» برگردان هفت چاپ انتشارات بهجت آورده است، کسانی که خواهان دانستن چگونگی کار و کوشش این پژوهشگران هستند می توانند به آن دفتر پر بها بنگرند. در اینجا بد نیست که با دیدگاه چند تن از اوستا شناسان نامی جهان در باره ی گاتاها آشنا شویم. نیبرگ که از اوستا شناسان نامی است می نویسد:

«... اگر سر آن داشته باشیم که گاتاها را بخوانیم یکسره به جهان دیگری جز آنچه در مهر یشت هست در می آیم. همه چیز در اینجا کهن تر و ناپیداتر از آنجا است. دورنمای گیتاشناسی در این نوشتارهای دینی که همه چیز در آنها پیرامون کانون دین می گردد در میان نیست.»

زبان گاتاها بسی باستانی تر و شیوه ی کاربرد آن از گونه ی دیگر است. در اینجا ما با چامه ی یکدست آریایی سروکار داریم. چامه ای که از دیدگاه سخن پردازی به ریگ ودا نزدیک می شود و فرگشت دور و درازی را پشت سر گذاشته است.

گاتاها با شیوایش و آراستگی بسیار ویژه ی که دارند، افزون بر درونمایه ی ورجاوند، از برونمایه ی بسیار شایان ستایش نیز برخوردارند». استاد دکتر علی اکبر جعفری در نامه ی ارجمندی بنام «ستوت یسن» می نویسد: «.. گاتاها معجزه وار دست نخورده و بی کم و کاست مانده و بما رسیده و این دو انگیزه داشته:

یکی به نظم بودن آن زیرا هم شعر را می توان به آسانی از بر کرد و هم کمتر می توان در آن دست برد و دوم آنکه هر خواننده و نویسنده ایمان و باوری بی مانند و ارج پس بزرگی به این کلام الهی و سخنان الهامی داشته است و بخود اجازه ی تحریف ولو آنکه برای تشریح باشد نداده در اینجا از یکسوی باید به خدای مهربان و نگهبان همه سپاس را گزارد که پیامی را که زرتشت رساند به درستی از آغاز تا انجام از هر گزندی نیک نگاه داشته و از سوی دیگر باز بر همه ی موبدان آفرین خواند که طی هزاران سال آن را چنان به لهجه ی شیرین اشو زرتشت حفظ کرده اند در جایی که در بقیه بخشهای اوستا تحریف ها و دستبردها و افتادگیها رخ داده است.»

استاد دکتر آبتین ساسانفر در سرآغاز گرامی نامه ی ( گاتاها - برگردان هفت هات نخستین) می نویسد: « گاتاها سروده ی های زرتشت، یکی از کهن ترین نوشته هایی است که در جهان بر جای مانده است. اگر کسانی به معجزه و کارهای بیرون از توان انسانی باور داشته باشند، پایدار ماندن گاتاها پس از گذشت آن همه رویدادهای ویران کننده، خود بزرگترین معجزه است. پیشینه ی شناسایی با این گنجینه ی دانش فلسفی و اخلاقی برای جهان غرب فقط به دو بیست سال پیش می رسد. زمان زرتشت را از ۶۰۰ تا نه هزار سال پیش از میلاد روایت کرده اند، در حالیکه بر اساس بررسی های استاد ذبیح بهروز، اشو زرتشت ۱۷۶۸ سال پیش از میلاد به جهان آمده و در سن هفتاد و هفت سالگی جهان را بدوود گفته است و گو اینکه دانش اوستا شناسی در دو سده گذشته با بدست آمدن اسناد و کشفیات جدید پیشرفت کرده است ولی نباید انتظار داشت از راه بررسی دانشمندان غربی که هر کدام به نوبه ی خود دارای تعصبات مذهبی و ملی هستند، گاتاها و اندیشه های فلسفی زرتشت را بتوان شناسایی کرد .

نظریات هر یک از زیانشناسان و دانشمندانی که خواسته اند در زمینه ی اوستا شناسی تنوری و عقیده ای ارائه کنند گو اینکه از سوی گروه زیادی هم استقبال شده باشد پس از مدت کوتاهی از ارزش افتاده و اعتبار خود را از دست داده است و در زمان حاضر نیز تمام تنوری ها و نظریاتی که از سوی زیانشناسان غربی اظهار می شود چون نمی خواهند به اصول خدانشناسی ( تنولوژی ) و ریشه های فلسفی اندیشه های زرتشت توجه کنند، بیشتر نظراتشان بر پایه ی حدس و گمان استوار است و نشان دهنده عظمت اندیشه های اشو زرتشت نیست. این وظیفه ایرانیان است که در راه شناخت هویت خود بکوشند تا فرهنگ بزرگ ملی بشکل درست و با تمام ویژگی های خود ارائه شود. به شناسایی زرتشت و ریشه ی اندیشه های ایرانی نباید فقط جنبه دینی داد چون بلافاصله چنین برداشت می شود که این فعالیت نوعی فعالیت دینی است و در نتیجه ایجاد کشمکش و در گیریهای مذهبی خواهد کرد.

در حالیکه زرتشت بیش از هر چیز یک دانشمند، فیلسوف و حکیم است و اندک خرافات مذهبی در سراسر گاتاها بچشم نمی خورد و از اوستا تنها چیزی که به زرتشت و دین زرتشتی تعلق دارد همان گاتاها است. در زمانی که دولت‌های ایرانی نیمی از جهان را زیر قدرت و نفوذ اداری خود داشتند و به آسانی میسر بود دین خود را رواج دهند از این کار پرهیز می کردند.

تحمیل دین و عقیده یک اندیشه غیر ایرانی است. از سوی دیگر اصول فکری و فلسفی گاتاها اصولی کلی و جهانی است که هر کس در هر زمان می تواند حقیقت آن را دریابد، اگر خواست آنرا بپذیرد، اگر نخواست نپذیرد، مانند یک ایدئولوژی و اندیشه ی فلسفی، آزاد اندیشی و گزینش راه و روش به پیروی از خرد یکی از آموزشهای اصلی دین زرتشت است و به این

اصول فلسفی و اجتماعی که بیش از سه هزار و هفتصد سال پیش آموزش داده شده هنوز گروه زیادی از انسانها ی پیشرفته پای بندند . استاد ابوالقاسم پرتو در گرامی نامه ی بسیار ارزشمندی زیر نام:

« اندیشه های فلسفی ایرانیان » نمی نویسد: « .. گات یا گاس **Gath** در زبان اوستایی و در سانسکریت برابر است با « سرود » ولی نباید پنداشت که این سرودها دارای همان آهنگ هایی است که گوش ما در آشنایی با « عروض » و یا برخی از سروده های آهنگین چامه سرایان همروزگارمان، شناسایی کرده است. کارما بررسی چگونگی ساختار « گات ها » نیست که شاید آنها را بگفته ی دکتر علی اکبر جعفری که یکی از بزرگترین اوستا شناسان روزگار ما است بتوان با « چامه ی آزاد » در ادب امروز ایران برابر دانست ولی این نکته گفتنی است که نابی (= خلوص) و دست ناخوردگی گات ها به انگیزه ی «سرود» بودن آنها بوده، زیرا که هر سرود ه ای با کاهش یا افزایش و چه بسا با دگرگونی یک واژه ، آسیب می پذیرد و این خود راز دست ناخوردگی گات ها است... گاتها در بردارنده ی همه ی سخنان و آموزه هایی هستند که ما بنام « دین زرتشت » می شناسیم و از راه آنها است که می توانیم به هستی شناسی زرتشت راه پیدا کنیم و پیام ورجاوند او را بشناسیم. زرتشت سخنانی گفت و سرود که پیش از او هیچکس نگفته و نسروده بود، چنانچه خود در بند سوم سرود بیست و هشتم یسنا می گوید: ای راستی و ای منیش نیک، و ای مزدا اهورا، من برای شما می سرایم، با سرودی که پیش از این کس نسروده است. تا توانایی مینوی و پارسایی، در ما فزونی گیرد.

از زمان زرتشت تا به امروز سخنسرایان بی شمار پا به میدان سخن سرایی گذاشته و با سرودن ترانه ها و چکامه ها و شاهنامه ها و رزمنامه های شورانگیز بزبانهای گوناگون، گلستان ادب جهان را پر رنگ و بو کردند، ولی هیچ سخنسرایی تا کنون نتوانسته بر زرتشت پیشی گیرد و سخنی فرا تر از سه گوهر بنیادین:

« اندیشه ی نیک » - « گفتار نیک » - و « کردار نیک » در آموزه های او بسراید. اگر نیک بنگریم بروشنی خواهیم دید که تنها آن بخش از ادب جهانی جاودانه مانده است که خمیر مایه اش از این سه پرتو خداوندی بهره گرفته باشد.

جاودانگی « شاهنامه ی فردوسی » تنها برای این نیست که به پارسی سره سروده شده و در آن از والامندی مردم ایران سخن بمیان آمده است، جاودانگی شاهنامه برای این است که سه گوهر اندیشه و گفتار و کردار نیک همانند خیزابه های دل انگیز یکی پس از دیگری سر بر می آورند و چشم انداز خواننده و شنونده را شور زندگی می بخشند.

هر سروده و چکامه ای که از این سه گوهر خداوندی بی بهره باشد، پس از اندک زمانی در خاکروبه های زمان گم می شود و نشانی از آن برجای نمی ماند، بنا براین با دلیری می توان گفت که زرتشت خمیر مایه ی شاهنامه های کلان را سروده است. او از راستکاری - پیمانداری - نو شونگی- نوسازی - از بنا کردن خانمان و روستا و شهر و کشوری آباد - از میهن پرستی - مهرگستری - دادگری - شاد زیوی - شادی پراکنی - نیک اندیشی و نیک گفتاری و نیک کرداری - از منیش والا - از شهریاری - از رسایی و جاودانگی و از بسیاری دیگر از ارزشهای والا سخن گفته و زنان و مردان جهان را برانگیخته است تا با کار و کوشش در پرتو خرد و اندیشه ی نیک دستیاران خدا در کار آفرینش جهان باشند و زمین را جشنگاهی بسازند برای خود و برای آب و خاک و گیاه و جانور، و همه ی دیگر باشندگان روی آن.

زرتشت کاری به خرده ریزهای زندگی مردم نداشته و در اندیشه ی این نبوده است که چه بخورند و چگونه بخورند و کی بخورند .. او در پی ارزش های کلان بود، او در پی این بود که چگونه اندیشیدن را به مردم آموزش دهد: 31/1 ای جویندگان دانش، اینک برای شما، این آموزشها و سخنان ناشنوده را، آشکار می سازم.

بیگمان، این سخنان، برای کسانی که با آموزش دروغ، جهان راستی را به تباهی می کشانند، ناگوار و برای دلدادگان مزدا بهترین است. ۳۱/۲ چون، با این آموزشهای نادرست ، گزینش راه بهتر، روشن و آشکار نیست، من، چونان آموزگاری، که برگزیده ی مزداست، به سوی شما می آیم، تا هر دو گروه را بیاموزانم چگونه برابر راستی زندگی کنند.

ولی چرا گاتها را « سروده های مینوی » می نامند؟ در باره ی مینوی **Mainyu** تا کنون سخنان بسیارنا همگون گفته و نوشته شده است. برخی آن را همیشگی ی من **Man** در چم اندیشه دانسته اند. برخی مینو را برابر پردیس - جهان برین - و بهشت بشمار آورده اند. برخی دیگر مانند استاد ابوالقاسم پرتو واژه ی «مونه» را برای آن برگزیده اند که برابر(خاصیت طبیعی) یا « ویژگی سرشتی » چیزها است.

همانگونه که گرما ویژگی سرشتی آتش است و بوی خوش ویژگی گل سرخ، و تری ویژگی آب است. شوربختانه این تنها واژه ای نیست که برگرداندگان گاتها آرشهای گوناگون و گاه ناسازگار را برای آن برگزیده اند، این نا همسانی در سراسر گاتها آنچنان است که گاه مایه ی سردرگمی دانش پژوهان را فراهم می آورد، به چند نمونه از این ناسازگاریها نگاه می کنیم. بند یکم از سرود سی ام: اینک با ستایش « آهوره » و جشن « منش نیک »، خواستاران و نوید یافتگان را از آن دو پدیدار بزرگ سخن می گویم. ای نیک منشان، این {سخن} را در پرتو « آشه » و با روشنی و رامش در یابید.

دکتر جلیل دوستخواه. اینک سخن می دارم از برای آنان که خواستار شنیدن اند آنچه را که مرد دانایی باید بسپرد: از ستایش اهورا و درود بهمن و از شادمانی کسی که آن را خوب بیاد بسپرد، آن کسی که راستی و همچنان روشنایی خواهد نگریست.

استاد ابراهیم پورداود اینک برای جویندگان حقیقت و مردم دانا، از این دو پدیده بزرگ سخن خواهم گفت: روش ستایش خداوند جان و خرد، و نیایش و هومن یا منش پاک را بیان خواهم کرد، و همچنین ازدانش الهی؟! و آیین راستی آشنا گفتگو خواهم نمود تا با برخوردار از رسایی نور حقیقت!! را دریابید و از نعمت فردوس!! بهره مند گردید.

موبد آذر گناسب اکنون با آنانکه خواهشمند می باشند خواهم گفت از دو طریق که آفریده شده هستند - از - مزدا و این همه (آموزش) برای دانایان است و خواهم (برخواند) سرودها به اهورا و ستایشها به وومن (و هم چنین توضیح خواهم داد) آموزش نیک آشا را تا شما کامل گردید و به جهان روشن در آید.

پرفسور شوشتری اینک برای آنانی که خواستار شنیدن هستند از آن دو راه اندیشیدن سخن می رانم که برای فرزنانگان دو نکته مهمی می باشند. در ضمن به نیایش خدای پرداخته از نیک منشی و نیک اندیشی ستایش خواهم کرد و از آیین راستی و درستی و پاکي گفت و گو خواهم داشت.

تا شما در روشنایی بوده به خرسندی برسید. دکتر علی اکبر جعفری اینک از برای کسانی که خواستار شنیدن حقیقت هستند سخن می گویم - این گفتار از سوی اهورا مزدا سرچشمه راستی و نیک اندیشی است و هر که دانا و هواخواه راستی باشد باید به آن گوش دهد، زیرا تنها با پیروی آن می توان بره سرای درخشان فردوس راه یافت.

موبد شهزادی اینک گوش فرا دهید و سخنانم را بشنوید ای کسانی که برای شنیدن گرد آمده اید، سخن می گویم از آن دو گفتار و آن دو شیوه زیستن برای آنانی که سخنانم را می شنوند، بایستی این سخنان سپرده اندیشه ها شود. سرود ستایش به جا آورم برای اهورا مزدا، برای همه نیکی ها و راستی و روشنایی - هاشم رضی اینک سخن می دارم برای شما ای خواستاران، و برای شما ای دانایان، از دو نهاده ی بزرگ.

و می ستایم، اهورا و اندیشه ی نیک را، و دانش نیک و آیین راستی را، تا فروغ و روشنایی را دریابید، و به رسایی و شادمانی برسید. دکتر حسین وحیدی اکنون سخن می گویم برای خواستاران و نیز برای دانایان، در پاره ی اندیشه هایی که بر پایه خرد نهاده شده با ستایش اهورا و نیایش خردمندانه برای وومن و آشا، که با روشن شدن دیدنی ها (حقایق) خرسندی (رضایت خاطر) فراهم شود.

دکتر آبتین ساسانفر چنانچه در هشت برگردان، از بند یکم سرود سی ام گات ها دیدیم، دامنه ی ناهمسانی تا بدانجا فرا می رود که موبد آذرگشست بگمان اینکه به کار برگردان قران نشسته است! واژه ها و زبانهایی مانند جویندگان حقیقت... دانش الهی.. نور حقیقت... نعمت فردوس.. بکار می برد و خواننده را سرگردان برجا می گذارد که آیا این زرتشت است که سخن می گوید یا مهدی الهی قمشه ای!

در سال ۲۰۰۵ با بیش از هشت تن از گاتها شناسانی که نامهای بزرگ دارند، گفتگو کرده و از آنان خواستم که برای فراهم آوردن یک برگردان یکدست و نزدیک به آنچه زرتشت سروده است با یکدیگر همکاری و راه را بر جویندگان دانش هموار بگردانند. پیشنهاد من این بود که یک تالار در بسته ی اینترنتی در پالتاک پدید آوریم تا همه ی استادان بتوانند در هر کجای جهان که هستند هفته ای یکبار کنار هم بنشینند و با همپرسی یکدیگر واژه به واژه ی این هفده سرود را بررسی کنند و در پایان یک برگردان یکدست فرا دست دانش پژوهان و جویندگان دانش بگذارند.. دریغا که گوشه ی این دهان پیدا نشد! پاسخی که استادان به این درخواست دادند کم و بیش این بود که: من که ترجمه کرده ام، پروند از ترجمه ی من استفاده کنند!! در بخش چهارم این جُستار به گزارش برخی از واژه های گاتها خواهم پرداخت

پاینده ایران - هومر آبرامیان

درفش کاویانی



<https://derafsh-kavivani.com/>  
<https://the-derafsh-kavivani.com/>